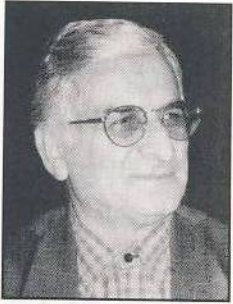




نقد و معرفی کتاب

## دو کیمیاى سعادت

دکتر ابوالقاسم امامی



صد ساله را که براستی نایاب شده بود، با متن تهذیب مسکویه (مصحح زریق، بیروت ۱۹۶۶) بسنجد و همراه با مقدمه‌ای و تعلیقاتی به چاپ رسمی امروز سپارد.

این کوشش به انجام رسید و به همت مشترک دفتر نشر میراث مکتوب و نشر نقطه، به زیور امروزیین طبع آراسته شد. ولی با وجود عنوان مشروح روی جلد و صفحه‌عنوان کامل، تواند بود که همانندی اسمی این اثر با کیمیاى سعادت غزالی، سبب اشتباه دوستداران و طالبان غیر متخصص کتاب گردد. از این رو، دو کیمیا را به اجمال و با نگاهی گذرا به فصل بندی دو اثر، و با اشاراتی به محتوا و روش تصنیف هر یک از آنها، در کنار هم بگذارد تا جویندگان کتاب هر کدام را با هویت واقعی خود بشناسند:

### کیمیاى غزالی

غزالی نیز معتقد است که گوهر آدمی در آغاز تولد ناقص و پست است و این که انسان از این نقص و این فرومایگی جز به مجاهدت و معالجت به کمال و والایی نخواهد رسید، و این راه را بسی دشوار می‌داند هم به زبان شیرینش گوید: «و چنانکه آن کیمیا که مس و برنج را به صفای زر خالص رساند، دشوار بود، و هر کس شناسد، همچنین این کیمیا که گوهر آدمی را از خست بهیمیت، به صفا و نفاست ملکیت رساند تا بدان، سعادت ابدی یابد، هم دشوار بود و هر کسی نداند» (تصحیح خدیو جم، دیباجه ص ۵). غزالی مقصود خود را «از نهادن این کتاب، شرح اخلاط این کیمیا» یعنی کیمیاى سعادت می‌داند و کیمیاى حقیقی را همین کیمیا می‌شناسد، نه کیمیایی که مس رازر کند.

کیمیاى غزالی اخلاقی است مبتنی بر شریعت. در این باب فرماید: «بدان که، چنانکه کیمیا در گنجینه هر پیرزنی نیابند بلکه

لفظ کیمیا معرب از یونانی خمیا (xēmeia) در اصل به معنی آمیختن است (قابل قیاس با لفظ و علم شیمی یا کمبستری امروز) و با سیمیا و لیمیا و دو علم دیگر، از علوم خفیه یا محتجبه پنجگانه قدما به شمار می‌رود.

پیشینیان معتقد بوده‌اند که عناصر پست را با تدابیری از جمله با کمک اکسیر یا حجر الفلاسفة می‌توان به عناصر عالی بدل کرد. مثلاً می‌توان مس را طلا و قلع را نقره کرد. از سویی، ادیب عارف شراب خود را کیمیاى جان می‌خواند و صوفی کیمیا را قناعت به موجود و ترک شوق به مفقود می‌داند. کیمیاى خواص، خالص کردن دل است و کیمیاى عوام، متاع دنیا.

اما در زمینه علم اخلاق، کیمیاى سعادت همان داروی خوشبختی است که در حکمت عملی یا اخلاق نظری عنوان تهذیب نفس می‌یابد و مراد از آن زدودن رذیلت از نفس و آراستن اش به فضیلت است که خود روشی است علمی در خودسازی، که جانهای پست بدان به والایی و احساس نیکبختی می‌رسند.

گروهی از نویسندگان اخلاق این نام را با باری از معنا که در اصل دارد، بر نوشته‌های خود نهاده‌اند که کیمیاى سعادت اثر امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ قمری) و سپس کیمیاى سعادت میرزا ابوطالب زنجانی (۱۳۲۹-۱۲۵۹ قمری) از جمله آنهاست.

کیمیاى سعادت زنجانی در واقع ترجمه‌ای است از طهارة الأعراف (= تهذیب الأخلاق) اثر ارجمند ابوعلی مسکویه (مشکویه) رازی، فیلسوف و مورخ بزرگ قرن چهارم و اوایل قرن پنجم (-۳۲۰ ۴۲۱). ترجمه‌ای است به خامه میرزا ابوطالب زنجانی (-۱۲۵۹ ۱۳۲۹ قمری) که آن را در سال ۱۳۲۰ قمری به چاپ سنگ سپرد. نگارنده که سالهاست در احیا و بازشناساندن آثار مسکویه کوششی دارد، پس از تردید بسیار سرانجام بر آن شد تا این چاپ سنگ



# کیمیای سعادت

ترجمه طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه رازی

میرزا ابوطالب زنجانی

مقدمه و تصحیح  
دکتر ابوالقاسم امامی

کیمیای سعادت

ترجمه طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه  
ترجمه: میرزا ابوطالب زنجانی  
مقدمه و تصحیح: دکتر ابوالقاسم امامی  
نشر نقطه، چاپ اول، ۱۳۷۵، تهران



# کیمیای سعادت

کیمیای سعادت  
ترجمه طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه رازی  
مقدمه و تصحیح  
دکتر ابوالقاسم امامی

به تصحیح

احمد آرام

از روی نسخه‌های موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران

کیمیای سعادت

امام محمد غزالی

تصحیح: احمد آرام

انتشارات گنجینه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، تهران

در خزانه ملوک یابند، کیمیای سعادت ابدی نیز هر جای نباشد، در خزانه ربوبیت باشد. و خزانه خدای تعالی در آسمان، جواهر فریشتگان است، و در زمین، دل پیغمبران است. پس هر که این کیمیا جز از حضرت نبوت جوید راه، غلط کرده باشد و آخر کار وی قلابی باشد و ...»

غزالی در کیمیای سعادت در آغاز به «عنوان مسلمانی» می‌پردازد و آن را موکول به شناخت چهار چیز می‌داند: خودشناسی، خداشناسی، شناخت این دنیا و شناخت جهان دیگر. وی ارکان مسلمانی را در چهار رکن باز شناسانده است که دور رکن اول را ظاهری و دور رکن دوم را باطنی می‌خواند: رکن اول، گزاردن فرمان حق است که آن را «عبادات» گویند؛ رکن دوم، نگاه داشتن ادب در حرکات و سکنات و معیشت که آن را «معاملات» خوانند؛ رکن سوم، پاک کردن دل است از اخلاق ناپسند، چون: خشم و بخل و حسد و کبر و ... که این اخلاق را «مهملکات» و «عقبات» راه دین گویند؛ رکن چهارم آراستن دل است به اخلاق پسندیده، چون: صبر و شکر و محبت و رضا و رجا و توکل، که آن را «منجیات» گویند. غزالی سپس هر یک از این ارکان چهارگانه را به ده اصل بهر می‌کند.

با یک مرور بر فهرست کیمیای سعادت غزالی در می‌یابیم که این اثر ارجمند، اخلاقی است یکسره مبتنی بر آموزه‌های شریعت، در حالی که طهارة الاعراق مشکویه که کیمیای سعادت زنجانی نام ترجمه آن است، استوار بر آموزه‌های فلسفی و استدلالی است که سرچشمه‌اش اندیشه‌های فیلسوفان یونانی بویژه ارسطوست. مشکویه به شریعت و آموزه‌های دینی به گونه‌ای متفاوت می‌نگرد. یعنی در تربیت کودکان، شرط نخست را واداشتن به پیروی از تعالیم عملی شرع می‌داند. وی معتقد است که سپس، آنگاه که کودک می‌بالد و رشد می‌یابد می‌تواند آنچه را به تلقین از شرع آموخته و به کار بسته، بر برهان علمی دریابد که این در اخلاق نظری یعنی در کتبی همچون طهارة الاعراق میسر است.

نگارنده در اینجا با مروری بر فصول این اثر، به شرح مشابهی از محتوای آن می‌پردازد:

## کیمیای زنجانی

چنانکه گفتیم، کیمیای سعادت این بار عنوانی است که میرزای زنجانی بر ترجمه‌اش نهاده است. ترجمه‌ای که خود برگردانی است فارسی از متن عربی طهارة الاعراق مسکویه رازی. گفتنی است که اکنون سه ترجمه مطبوع از طهارة الاعراق یا تهذیب الأخلاق مسکویه در دست است که کیمیای زنجانی، در ترتیب تاریخی، دومین



نخستین ترجمه اش اخلاق ناصری است از خواجه نصیر طوسی (۶۷۲-۵۹۷). اخلاق ناصری ترجمه‌ای است آزاد و ملخص که خواجه با افزودن دو فن دیگر حکمت عملی یعنی سیاست مدن و تدبیر منزل، از این متن به دست داده است.

سومین آنها اخلاق و راه سعادت نام دارد. این ترجمه به قلم «یک بانوی ایرانی» است (بانو نصرت امین، اصفهان ۱۴۰۳-۱۳۰۸ قمری) که از در گذشت وی ۱۶-۱۵ سال می‌گذرد. این ترجمه برگردانی است از گزیده‌هایی از متن تهذیب (=طهارة) با حواشی و افزوده‌های توضیحی بانو. چنانکه از عنوانها پیداست هیچ یک از سه ترجمه، عنوان اصلی کتاب مشکویه را بر خود ندارد.

کیمیای زنجانی ترجمه‌ای است آزاد و تقریباً ملتزم به مفاهیم متن که برخی عبارات کوتاه را از متن انداخته و از آن سو، حواشی و توضیحات بلندی را در لابلای ترجمه، زیر عنوان «مترجم گوید» افزوده است.

اینک به کالبد این کیمیای سعادت می‌نگریم تا ببینیم در این کیمیا - در واقع در تهذیب الاخلاق مسکویه - فصول و موضوعهای اخلاقی چگونه نظم یافته است. مسکویه کتاب خود را در شش «مقاله» یا گفتار نوشته است، چنین:

گفتار نخست در شرح استدلالی مبادی علم اخلاق. در این گفتار سخن درباره نفس، خیر و شر، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت است و در اثبات این که: نفس نه جسم است، نه بخشی از جسم است و نه عرض است؛ و این که آدمی را چهار فضیلت است: حکمت، عفت، شجاعت، عدالت؛ و چهار رذیلت، که آن نیز بر چهار گونه است و در برابر چهار فضیلت قرار دارد. آن گاه به فضایل و رذایلی می‌پردازد که زیر مجموعه هر یک از این چهار فضیلت یا چهار رذیلت محسوب می‌شود.

گفتار دوم: در خوی آدمی است که به خوی طبیعی و خوی اکتسابی تقسیم می‌شود. در این گفتار به آراء رواقیون می‌پردازد که گویند سرشت مردم بر نیکی است ولی آمیزش با بدان سبب می‌شود تا خوی نیکوی شان به بدی گراید. یا به گفته حکیمان دیگر، آدمی از خاک پست آفریده شده. پس در نهاد خود بدخوی است، ولی می‌توان او را به آموختن و پروردن درست به خوی نیکو رسانید. یا به گفته جالینوس، برخی در نهاد خود نیکخوی اند و برخی در نهاد خود بدخوی اند و برخی دیگر بدی و نیکی را با هم دارند. یا به رای ارسطو، گروهی از بدخویان به ادب و تربیت خوشخوی می‌شوند ولی همه بدخویان چنین استعدادی ندارند. یا مردم در پذیرش فرهنگ و

پیرایش خوی و منش متفاوتند. باز در این که انسان دارای دو کمال است: نظری و عملی که حصول آن به حکمت نظری و حکمت عملی میسر است و غرض از نوشتن این کتاب رسیدن به کمال دوم یعنی کمال در خوی و رفتار است. سپس به شرح نفوس سه گانه آدمی می‌پردازد و نظر حکما از جمله افلاطون و ارسطو را به میان می‌آورد و آنگاه در تربیت کودکان، نقل سخن از بروسن و دیگران می‌کند، و سرانجام پایه برین آدمی را باز می‌نماید که غرض از آفرینش آدمی رسیدن به همین پایه است.

گفتار سوم: در این گفتار از خیر و سعادت و اقسام و درجات هر یک از آنها سخن می‌رود. در این مقال نظر رواقیان و طبیعت‌گرایان و فیلسوفان بزرگ یونان در باب خیر و سعادت نقل و نقد می‌شود. و سعادت به دو بخش فرشتگانه و جانورانه تقسیم می‌گردد.

گفتار چهارم: در این گفتار عدالت، تعریف و نمودهای آن بر شمرده می‌شود. علاوه بر عدالتی که در قوای درونی آدمی مطلوب است، در بیرون از ذات وی نیز سه گونه عدالت (به اعتبار متعلق آن) تعریف می‌شود. در این گفتار نیز با نظر ارسطو در تقسیم عدالت، و مسئله پرستش، و نیز با مایه‌های سعادت و مایه‌های شقاوت آشنا می‌شویم و دیدگاه افلاطونی را نیز در کنار آن باز می‌شناسیم.

گفتار پنجم: این گفتار در محبت و صداقت است. در این مبحث، به وجود کشش در انسان و حیوان و سپس به انواع دوستی و اختلاف انگیزه‌ها در این باب اشاره می‌شود و خواننده با رأی ارسطو، سقراط، و سایر حکیمان در این باب آشنا می‌گردد.

گفتار ششم: این گفتار در متن عربی، یک گفتار، و در ترجمه سه گفتار است (ششم، هفتم، هشتم). در این گفتارها بحث از بهداشت روان و درمان بیماریهایی است که روان آدمی بدان دچار می‌آید. نعمتهای بیرون از ذات انسان و نعمتهای درون او در این گفتارها باز شناخته می‌شود و گفته می‌شود که ارزشهای راستین از آن نعمتهای درونی اوست. چیستی خشم، تهور، جبن، خودپسندی، لجاج، سرگستگی، استهزا، نامردی، ستم‌پذیری، آز و ارزشهای منفی آنها باز نموده می‌شود و راههای مبارزه با آنها ارائه می‌گردد.

سپس نوبت به بیهودگی ترس از مرگ می‌رسد و حکمت مرگ از دیدگاه مسکویه معلوم می‌گردد، و در پایان، سخن در باب شناخت احساس اندوه می‌رود و این که، اندوه ضروری یا ناگزیر نیست و این که اسباب اندوه پوشالی است. زیرا مشاهده می‌کنیم که یک چیز معین در کسی سبب اندوه می‌شود و در شخص دیگری نمی‌شود، یا در شرایطی سبب اندوه می‌گردد ولی در شرایط دیگر چنین نیست.

